

بخش اول:

معنا و مفهوم اشعار و جمله‌ها

فصل دوم: شگفتن

منتظران بهار، فصل شگفتن رسید مژده به گل‌ها برید، یار به گلشن رسید

ای منتظران بهار، فصل شکوفایی و شگفتن، یعنی فصل بهار، از راه رسید؛ به گل‌ها مژده بدهید که یار (یعنی بهار) به باغ و گلستان رسیده است.

تشخیص، «مژده‌دادن» برای «گل‌ها» تشخیص است.

مراعات نظیر، «بهار»، «شگفتن»، «گل» و «گلشن»

این بیت، در کل دارای چهار جمله است: [ای] منتظران بهار، فصل شگفتن رسید؛ مژده به گل‌ها برید، یار به گلشن رسید.

(۱) (۲) (۳) (۴)

فصل شگفتن، «شما» (حذف‌شده) و «یار»، به ترتیب، نهاد جمله‌های این بیت است. (با مبحث «نهاد» در درس آینده آشنا خواهید شد.)

توضیح با توجه به بیت، متوجه می‌شویم که منظور از «یار» در مصراع دوم، همان «بهار» است.

میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی



تولد، ۱۰۵۴ هجری قمری در عظیم‌آباد هند

وفات، ۱۱۳۳ هجری قمری

از شاعران بزرگ شبه‌قاره هند به شمار می‌آید که به زبان فارسی شعر می‌سرود.

شیوه بیان و زبان شعر او، پیچیدگی خاصی دارد.

درس سوم: نسل آینده‌ساز

(نوع متن: نثر ساده)

(صفحه ۳۲ - بند اول)

جوان و نوجوان، چشمه جوشان نیرو و استعداد است.

جوان و نوجوان، مانند یک چشمه زاینده و جوشان، سرشار از نیرو و توانایی است.

تشبیه، «جوان و نوجوان» مانند «چشمه جوشان» است.

(صفحه ۳۲ - بند دوم)

همه آن‌چه که در تحلیل‌های دشمنان این ملت و این کشور، به عنوان نقطه مرکزی مشاهده می‌شود، این است که این نسل جوان و پرشور و آینده‌ساز را از راه‌های مختلف، برای ساختن ایران آباد و آزاد و مؤمن و پاکیزه آینده، ناتوان کنند.

مرکز و موضوع اصلی همه گفته‌ها و بررسی‌های دشمنان مردم ایران و کشور ایران، این است که این نسل جوان و پرنشاط و آینده‌ساز را، به روش‌های گوناگون، از ساختن ایران آباد و آزاد و مؤمن و پاکیزه، ناتوان کنند [و بازدارند].

اما به‌رغم تلاش‌های دشمنان، واقعیت، عکس این است.

اما برخلاف تلاش‌های دشمنان، واقعیت برعکس این [هدف و خواسته دشمنان] است.

(صفحه ۳۳ - بند اول)

من به هیچ‌وجه قبول نمی‌کنم حرف‌ها و تحلیل‌های کسانی را که گاهی در برخی از مطبوعات یا رسانه‌ها از انحراف نسل جوان سخن می‌گویند.

من هیچ‌گاه صحبت‌ها و نظرات کسانی را که گاهی در بعضی از روزنامه‌ها یا رسانه‌ها، از کج‌زوی و گمراهی جوانان سخن می‌گویند، قبول نمی‌کنم و نمی‌پذیرم.

این‌ها چرا صلاح و پاکدامنی و پارسایی و صداقت جوانان را نمی‌بینند؟ چرا شور و شعور جوانان را نمی‌بینند؟

چرا این افراد درستی و پاکدامنی و تقوا و درستکاری جوانان را نمی‌بینند؟ چرا نشاط و درک و فهم جوانان را نمی‌بینند؟

(صفحه ۳۳ - بند چهارم)

جامعه ما بحمدالله از میلیون‌ها جوان دختر و پسر برخوردار است. این مایه افتخار برای ملت ماست.

شکر خدا، جامعه ما میلیون‌ها جوان دختر و پسر دارد. این [موضوع] برای مردم ما، باعث افتخار و سربلندی است.

آینده با حرف، ساخته نمی‌شود؛ با کار هوشمندانه و مؤمنانه ساخته می‌شود.

فقط با حرف‌زدن نمی‌توان آینده را ساخت؛ با کاری که از روی هوشمندی و ایمان انجام بگیرد، می‌توان آینده کشور را ساخت.

(صفحه ۳۳ - بند پنجم)

به شما جوانان به عنوان فرزندان عزیز و پاره‌های دل این ملت ... می‌گویم:

به شما جوانان عزیز و جگرگوشه‌های مردم [ایران] می‌گویم:

کنایه، «پاره‌های دل» کنایه از «بسیار عزیز و دوست‌داشتنی بودن» است.

(صفحه ۳۴ - بند اول)

جوانی‌تان را قدر بدانید.

ارزش و اهمیت جوانی خود را بدانید (و از آن استفاده کنید).

شما امروز در سال‌های طلایی عمر خود قرار دارید و خدای متعال هم به شما کمک خواهد کرد.

امروز، شما در بهترین سال‌های عمر خود (یعنی جوانی) قرار دارید و خدای بلندمرتبه هم به شما کمک خواهد کرد.

کنایه، «سال‌های طلایی عمر» کنایه از «بهترین و پرفایده‌ترین سال‌های عمر» است.

شعر خوانی: توفیق ادب

(قالب شعر: مثنوی)

ای خدا، فضل تو حاجت‌روا با تو یاد هیچ‌کس، نَبُودِ روا

ای خدا، ای کسی که رحمت و بخشش تو، نیازها و حاجت‌های ما را برآورده می‌کند؛ یادکردن از دیگران، در کنار یاد تو، جایز و درست نیست.

۱ این بیت، در کل دارای چهار جمله است: ای خدا ای [کسی] که فضل تو حاجت‌روا است؛ با تو یاد هیچ‌کس روا نبود.

(۱) (۲) (۳) (۴)

۲ «فضل تو» و «یاد هیچ‌کس» نهادهای این بیت هستند.

توضیح «حاجت‌روا» در مصراع اول و «روا» در مصراع دوم، واژه‌های قافیه در این بیت هستند. دقت کنید که این بیت، ردیف ندارد!

قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریا‌های خویش

دانش اندکی که در گذشته به ما بخشیده بودی، به دانش بیکران و نامحدود خودت متصل کن.

مفهوم کلی اندک بودن دانش انسان / طلب دانش از خداوند

تشبیه، «دانش ما» مانند «قطره» است.

مراعات نظیر، «قطره» و «دریا»

۱ این بیت، در کل دارای دو جمله است: قطره دانش که از پیش بخشیدی؛ به دریاهاى [دانش] خودت متصل گردان.
(۱) (۲)

۲ نهاد در هر دو جمله، «تو» حذف شده است.

۳ «قطره دانش» در مصراع اول، مفعول است. (با مفعول در درس‌های آینده آشنا خواهید شد.)

توضیح منظور از «دریاها» در مصراع دوم بیت، «علم و دانش بیکران و بی‌پایان خداوند» است.

صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما چو مرغان حریصی بی‌نوا

ای خدا دام‌ها [و پرتگاه‌های گمراهی] بسیاری در راه ما وجود دارد؛ ما هم مانند پرنندگان طمع‌کار و بی‌چاره‌ای هستیم [که هر لحظه ممکن است در این دام‌ها گرفتار شویم].

مفهوم‌کلی دام‌های فراوان در راه انسان وجود دارد.

تشبیه، «ما انسان‌ها» مانند «پرنده‌ها» هستیم.

مراعات‌نظیر، «دام» و «دانه»

۱ این بیت، در کل دارای سه جمله است: صد هزاران دام و دانه است، ای خدا، ما چو مرغان حریص بی‌نواى [هستیم].
(۱) (۲) (۳)

۲ «است» در مصراع اول معنای «وجود دارد» می‌دهد، بنابراین اسنادی نیست.

۳ «صد هزاران دام و دانه» و «ما» نقش نهاد دارند.

توضیح در این بیت هم «چو» معنای «مثل» و «مانند» دارد و «ادات تشبیه» است.

۲ «مرغان» در این بیت، به معنای «پرنندگان» است، نه جمع «مرغ» به معنای حیوان خانگی!

گر هزاران دام باشد هر قدم چون تو با مایى، نباشد هیچ غم

اگر در هر قدم [و در هر لحظه از زندگی] هزاران دام هم وجود داشته باشد، چون تو با ما هستی، غم و نگرانی نداریم.

مفهوم‌کلی همراه‌بودن با خداوند، مانع گمراهی است.

۱ این بیت، در کل دارای سه جمله است: اگر [در] هر قدم هزاران دام باشد، چون تو با ما هستی، هیچ غمی وجود ندارد.
(۱) (۲) (۳)

۲ «باشد» در مصراع اول و «نباشد» در مصراع دوم، به‌ترتیب معنای «وجود داشته باشد» و «وجود نداشته باشد» دارند.

۳ «هزاران دام»، «تو» و «هیچ غم» نقش نهاد دارند.

توضیح در این بیت، «چون» معنای «برای این‌که» دارد و حرف ربط است.

از خدا جوییم توفیق ادب بی‌ادب محروم شد از لطف رب

از خداوند، نعمت ادب را درخواست می‌کنیم، [زیرا] انسان بی‌ادب، از لطف و رحمت خداوند بی‌بهره و بی‌نصیب است.

مفهوم‌کلی بی‌ادبی، باعث محرومیت از لطف خداوند است.

۱ این بیت، در کل دارای دو جمله است: از خدا توفیق ادب [را] جوییم؛ [چون] بی‌ادب از لطف رب محروم شد.
(۱) (۲)

۲ «تو» (حذف‌شده) و «بی‌ادب» نهاد جمله‌های این بیت هستند.

توضیح «شد» در مصراع دوم این بیت، در حقیقت معنای «می‌شود» دارد.

بی‌ادب، تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش در همه آفاق زد

انسان بی‌ادب، تنها به خود آسیب نمی‌زند، بلکه همه جهان [اطراف خود] را نابود می‌کند.

مفهوم‌کلی بی‌ادب به همه آسیب می‌زند.

۱ این بیت، در کل دارای دو جمله است: بی‌ادب، تنها خود را بد نداشت؛ بلکه در همه آفاق آتش زد.

(۲)

(۱)

۲ «بی‌ادب» نهاد هر دو جمله این بیت است.

جلال‌الدین محمد بلخی



تولد، ۶۰۴ هجری قمری در بلخ (قرن هفتم)

وفات، ۶۷۲ هجری قمری در قونیه (شهری در ترکیه امروز)

لقب، مولوی، مولانا

آثار، دیوان غزلیات شمس تبریزی؛ فیه‌مافیه؛ مثنوی معنوی (دارای ۲۶ هزار بیت؛

گنجینه معارف اسلامی؛ معروف‌ترین اثر مولوی)

واژه‌شناسی

فصل دوم: شکفتن

فصل، زمان، هنگام، موقع / مؤده، خبر خوش، نوید / گلشن، گلستان، باغ

نسل آینده‌ساز

نسل، افرادی که در یک رده سنی قرار دارند. / استعداد*، توانایی، آمادگی، قابلیت، نبوغ / دریافتن، فهمیدن / تحلیل، بررسی دقیق / امتیاز، برتری / ملت، مردم / مؤمن، باایمان / به‌رغم*، برخلاف، برعکس / عکس، برعکس، وارونه، واژگون / به‌هیچ‌وجه، به هیچ عنوان، اصلاً / مطبوعات، (مفرد: مطبوعه) روزنامه‌ها، مجله‌ها / انحراف، کج‌زوی، گمراهی / صلاح*، درستی، خوبی / پاکدامنی، عفت، گناه‌نکردن / پارسایی، زهد، تقوا / صداقت، راستگویی، درستکاری، دوستی از روی دوستی و راستی / شور، نشاط، هیجان / شعور*، فهم، درک / اعتراف*، اقرار، قبول کردن اشتباه / پشتوانه، پشتیبان / همت، پشتکار، سعی، تلاش / غیرت*، مردانگی، آبرو، مرورت / اوایل، (مفرد: اول) آغاز، ابتدا / هیئت*، گروه، جمع / استحکامات*، موانع و بناهایی که برای جلوگیری از پیش‌روی دشمن می‌سازند، برج و بارو / بحمدالله، شکر خدا، خدا را شکر / مایه، سبب، باعث / افتخار، سربلندی، غرور / بالیدن*، افتخارکردن (بالیدن) گاهی به معنای «بزرگ‌شدن» و «رشدکردن» هم هست. / برافراشته، بالارفته، بلندشده / شکوهمند*، باعظمت، زیبا، با جلال و شوکت / مقتدر*، قدرتمند، دارای قدرت، توانمند / والا*، بزرگ، بلند، برتر / متعال، بلندمرتبه، بزرگ

شعرخوانی: توفیق ادب

توفیق: موافقت، سازگاری و همراهی اراده خدا با اراده بنده / حاجت، نیاز، احتیاج / فضل، دانش، برتری (در این‌جا: لطف، بخشش) / روا، برآورده، شایسته / حریص، آزمند، طمع‌کار / محروم، بی‌په‌ره / رب، پروردگار، از اسامی خداوند / آفاق، (مفرد: افق)، کرانه‌های آسمان

درس چهارم: با بهاری که می‌رسد از راه

(قالب شعر: چهارپاره)

روشن و گرم و زندگی‌پرداز / آسمان مثل یک تبسم شد

آسمان، مانند یک لبخند، صاف و روشن [و باز] شد و امید و نشاط را به زندگی‌ها بخشید.

تشبیه، «آسمان» مثل «تبسم» است. («آسمان» مشبه، «تبسم» مشبّه، «مثل» ادات تشبیه و «روشن و گرم و زندگی‌پرداز» وجه‌شبه است.)

۱ این بیت، در کل یک جمله دارد: آسمان، مثل یک تبسم، روشن و گرم و زندگی‌پرداز شد.

(۱)

۲ «آسمان» نهاد و «روشن و گرم و زندگی‌پرداز» مسند است.

هر چه سرما و هر چه دلسردی پر زد آهسته، از نظر گم شد

م [با روشن شدن آسمان،] سرما و همه ناامیدی‌ها آهسته ناپدید شدند.

ف [کنایه، «دلسردی» کنایه از «ناامیدی» است.]

د ۱ این بیت، در کل دو جمله دارد: هر چه سرما و هر چه دلسردی، آهسته پر زد و از نظر گم شد.

(۱) (۲)

۲ «هر چه سرما و هر چه دلسردی» نهاد و «گم» مسند است.

با نسیمی که زندگی در اوست باز چشم جوانه‌ای وا شد

م همراه با [لوزیدن] نسیم [بهاری] که زندگی را با خود می‌آورد، جوانه‌ها شکفتند و باز شدند.

ف [شخصیت‌بخشی، «داشتن چشم» برای «جوانه» تشخیص است.]

د ۱ این بیت، در کل دو جمله دارد: با نسیمی که زندگی در او است، باز چشم جوانه‌ای وا شد.

(۱) (۲)

۲ «است» در مصراع اول، معنی «وجود دارد» می‌دهد و فعل اسنادی نیست.

۳ «زندگی» و «چشم جوانه‌ای» نهاد و «وا» (☐) باز مسند است.

بر درختی، شکوفه‌ای خندید در کتابی، بهار، معنا شد

م شکوفه‌ای بر روی یک درخت، مانند لبخند، باز شد و شکفت [و] بهار همه جهان را فراگرفت و آشکار شد.

ف [تشخیص، «خندیدن» برای «شکوفه» تشخیص دارد.]

مراعات نظیر، «درخت»، «شکوفه» و «بهار»

د ۱ این بیت، در کل دو جمله دارد: بر درختی شکوفه‌ای خندید؛ در کتابی بهار معنا شد.

(۱) (۲)

۲ «شکوفه‌ای» و «بهار» نهاد و «معنا» مسند است.

توضیح منظور از «کتاب» در این بیت، «جهان» است. البته می‌توان منظور از «کتاب» را «باغ» یا «درخت» هم دانست.

با بهاری که می‌رسد از راه سبز شو، تازه شو، بهاری شو

م همراه با بهاری که از راه می‌رسد، [تو هم] شاداب و تازه و پرنشاط بشو [و تغییر در خودت ایجاد کن].

ف [کنایه، «بهاری» کنایه از «شاداب» و «پرنشاط» است.]

مراعات نظیر، «سبز»، «تازه» و «بهاری»

د ۱ این بیت، در کل چهار جمله دارد: با بهاری که از راه می‌رسد، سبز شو، تازه شو، بهاری شو.

(۱) (۲) (۳) (۴)

۲ «بهاری» نهاد است و «سبز»، «تازه» و «بهاری» (در جمله «۴») مسند هستند.

مثل یک شاخه گل جوانه بزن مثل یک چشمه سار جاری شو

م مانند یک شاخه گل شکوفه بزن و شاداب بشو؛ مانند یک چشمه، تحرک و زندگی و تلاش را آغاز کن.

ف [تشبیه، «مخاطب» مثل «یک شاخه گل» است. / «مخاطب» مثل «یک چشمه سار» است.]

مراعات نظیر، «شاخه گل»، «جوانه» و «چشمه سار»

د ۱ این بیت، در کل دو جمله دارد: مثل یک شاخه گل جوانه بزن؛ مثل یک چشمه سار جاری شو.

(۱) (۲)

۲ «جاری» مسند است.

زندگی بر تو می‌زند لبخند هست وقت شکفتن امروز

امروز زندگی به دلخواه توست؛ [پس] وقت شکوفایی و شادابی توست.

تشخیص، «لبخند زدن» برای «زندگی» تشخیص دارد.

کنایه، «لبخند زدن زندگی بر کسی» کنایه از «مطلوب بودن شرایط زندگی» است.

این بیت، در کل دو جمله دارد: زندگی بر تو لبخند می‌زند؛ امروز وقت شکفتن است.
(۱) (۲)

۲ «زندگی» و «امروز» نهاد و «وقت شکفتن» مسند است.

بہتر از ہر چہ ہست در دنیا با خدا راز گفتن امروز

امروز، بہتر از ہر چیز در دنیا، رازگفتن و راز و نیاز کردن تو با خداوند است.

این بیت، در کل دو جمله دارد: از ہر چہ در دنیا ہست، امروز با خدا راز گفتن بہتر است.
(۱) (۲)

محمد جواد محبت



تولد، ۱۳۲۲ هجری شمسی در کرمانشاه

او معلمی شاعر و نویسنده است.

آثار، رگبار کلمات؛ کوچه‌باغ آسمان؛ با بال این پرنده سفر کن

زیبایی شکفتن

(نوع متن: نثر ساده)

(صفحة ۳۹ - بند ۳)

نوجوانی [...] دوره‌ای پرفراز و فرود، بین وابستگی و استقلال است.

نوجوانی دوره‌ای پر از اتفاقات گوناگون، بین وابستگی و وابسته‌نبودن است.

تضاد، «فراز» و «فرود» / «وابستگی» و «استقلال»

نوجوانی دوره‌ای شبیه به رؤیا و زیبا است.

نوجوانی، دوره‌ای از زندگی است که مانند یک خواب شیرین و دوست‌داشتنی، زیباست.

تشبیه، «نوجوانی» مانند «رؤیا» است.

می‌توانیم از لحظه‌های زندگی لذت ببریم و جویبار باصفا و زلال و گوارای زندگی را گل‌آلود نسازیم.

می‌توانیم از لحظه‌های زندگی لذت ببریم و آن را، که مانند یک جویبار باصفا و گوارا است، نابود و گل‌آلود نکنیم.

تشبیه، «زندگی» مثل «جویبار باصفا و زلال و گوارا» است.

کنایه، «گل‌آلود کردن جویبار زندگی» کنایه از «لذت‌نبردن از زندگی و تلخ کردن زندگی بر خود» است.

(صفحه ۳۹ - بند سوم)

در دلش ایمان و مهربانی موج بزند و از چهره و نگاهش امیدواری و نشاط بجوشد.

م دل او پر از ایمان و محبت باشد و در چهره و نگاهش، امیدواری و شادابی دیده شود.

✚ کنایه، «موج‌زدن» کنایه از «فراوان بودن» است. / «جوشیدن» هم کنایه از «فراوان بودن» است.

دوست خوب، کیمیا است.

م دوست خوب مانند کیمیا، کمیاب و بسیار ارزشمند است [و انسان را ارزشمند می‌کند].

✚ تشبیه، «دوست خوب» مانند «کیمیا» است.

(صفحه ۳۹ - بند چهارم)

استقلال‌طلبی، کنجکاوی، شوق یادگیری و دانایی و ... نوجوان را گاهی ناآرام جلوه می‌دهد. این جلوه‌های گوناگون نوجوانی هیچ‌کدام بیهوده نیستند؛ ریشه در نیازها و علایق ما دارند.

م استقلال‌خواهی، کنجکاوی، علاقه به یادگیری و دانایی و ...، گاهی باعث می‌شود که نوجوان ناآرام و آشفته به نظر برسد. این نشانه‌های گوناگون نوجوانی، هیچ‌کدام بی‌فایده نیستند؛ [بلکه] به دلیل نیازها و علاقه‌های نوجوان ایجاد می‌شوند.

(صفحه ۳۹ - بند پنجم)

کتاب پر راز و رمز آفرینش و شگفتی‌های طبیعت، سرشار از درس‌ها و اندرزهاست.

م جهان آفرینش و شگفتی‌های طبیعت، مانند کتابی پر راز و رمز است که درس‌ها و پندهای بسیاری در آن وجود دارد [و با تفکر و اندیشه، می‌توان به آن‌ها پی برد].

✚ تشبیه، «آفرینش و شگفتی‌های طبیعت» مانند «کتابی پر راز و رمز» است.

واژه‌شناسی

با بهاری که می‌رسد از راه

زندگی‌پرداز، زیباکننده زندگی، فراهم‌کننده شرایط خوب زندگی، امیددهنده برای زندگی / تبسم ✪، لبخند / دلسردی، (کنایه) ناامیدی، افسردگی، یأس نسیم، باد خنک / وا، باز / چشمه‌سار، سرچشمه، چشمه

زیبایی شگفتن

شوق، اشتیاق، نشاط، شور / حسرت، افسوس، دریغ / فراز، بلندی، اوج / فرود، پایین آمدن، پایین، نشیب / استقلال ✪، وابسته‌نبودن، آزادبودن در انجام کارها / رؤیا، خواب شیرین / کم‌حوصلگی، خستگی، بی‌حالی / دلخوری، (کنایه) ناراحتی، گلایه / بیهوده، بی‌فایده، بی‌سود / باصفا، بانشاط / زلال ✪، صاف، شفاف / کیمیا، کمیاب و دست‌نیافتنی («کیمیا» به علمی می‌گفتند که به کمک آن، می‌کوشیدند ماده‌ای را پیدا کنند تا فلزات کم‌ارزش، مثل آهن و مس را تبدیل به طلا کند). / جلوه، مظهر، تجلی، نمود / علایق، (مفرد: علاقه) دلبستگی‌ها / اندرز ✪، پند، نصیحت، موعظه / چالاکي، فریب‌زدن، تندبودن، سرعت / تأمل ✪، درنگ، اندیشه، فکر / بصیرت ✪، بینش، آگاهی، فهم عمیق / مهارت، توانایی، در یک فن یا ویژگی یا حرفه، برجسته‌بودن / آفریدگار، خالق، آفریننده / کردار، رفتار، عمل، فعل

فصل آزاد: ادبیات بومی (۱)

همه عالم تن است و ایران دل نیست گوینده زین قیاس، خجل

۸ همه جهان مانند یک تن و یک پیکر است و ایران مثل دل و قلب این تن است؛ شاعر از این مقایسه شرمنده و خجالت‌زده نیست.

۹ تشبیه، «همه عالم» مانند «تن» است. / «ایران» مانند «دل» است.

مراعات نظیر، «تن» و «دل»

۵ ۱ این بیت، در کل دارای سه جمله است: همه عالم [مانند] تن است و ایران [مثل] دل [است]؛ گوینده از این قیاس، خجل نیست.

(۳)

(۲)

(۱)

۲ «همه عالم»، «ایران» و «گوینده» نهاد هستند؛ «تن»، «دل» و «خجل» هم مسند هستند.

توضیح واژه «زین» مخفف و کوتاه‌شده «از این» است.

واژه‌شناسی

فصل آزاد: ادبیات بومی (۱)

عالم، جهان، دنیا، دل، قلب / گوینده، شاعر، سخنگو / قیاس، مقایسه / خجل، خجالت‌زده، شرمنده

درس پنجم: آزاد

بخش دوم:

واژگان هم خانواده و رابطه معنایی واژگان

درس شانزدهم: آدم آهنی و شاپرک

واژگان هم‌خانواده

ادبیات جهان

تقدیر ⇨ قدر، مُقدَّر، مقدور، قادر، قدرت، مقتدر

آدم آهنی و شاپرک

جذّاب ⇨ جذبه، جذب، جاذبه، مجذوب	حرکات ⇨ تحرّک، مُحَرّک، تحریک
طرّاحی ⇨ طرح، مطرح، طراح	آخر ⇨ اخیر، مُؤخَّر، تأخیر، اواخر، متأخر
مودی ⇨ اذیت	جلب ⇨ جالب
سلامتی ⇨ سالم، سلیم، تسلیم	متشکّر ⇨ شکر، شاکر، مشکور، تشکّر، شُکور
فرق ⇨ فارق، تفریق، فرقه، تفرقه، مُتَفَرِّق	ملاقات ⇨ لِقَاء، تَلَاقی، لِقَا
مسخره ⇨ تمسخر، سُخره	موقع ⇨ واقع، واقعه، توقّع، متوقّع، مواقع
تشویق ⇨ شوق، اشتیاق، مُشَوِّق	فهم ⇨ فهِیم، تفهیم، مفهوم، مفاهیم، أفهام، تفاهم، مُفاهمه
مطمئن ⇨ اطمینان	نجوا ⇨ مناجات
ساکت ⇨ سکوت، مسکوت، سکنه	مؤدّب ⇨ ادب، آداب، تأدیب
تکرار ⇨ مُکَرَّر، کَرَار	صبر ⇨ صبور، صابر
التماس ⇨ مُلتَمِس، لمس، لامسه، ملموس	مراقب ⇨ رقیب، رقابت، مراقبت
شدّت ⇨ شدید، تشدید، مُشَدَّد	حاکم ⇨ حُکم، محکوم، حکومت، تحکیم، تُحکِّم، محکم، احکام
خراب ⇨ تخریب، مُخَرَّب، مخروبه	

روابط معنایی واژگان (مترادفها و متضادها)

متضاد

سروری ⇨ ذلّت، خواری

سؤال ⇨ جواب / چپ ⇨ راست / تازه ⇨ قدیمی، کهن / متأسفانه ⇨ خوشبختانه / روشنایی ⇨ تاریکی / سلامتی ⇨ بیماری / طولانی ⇨ کوتاه / سرشناس ⇨ گمنام / مؤدبانه ⇨ بی‌ادبانه / گرسنه ⇨ سیر / شجاعت ⇨ ترس / قوی ⇨ ضعیف / محکم ⇨ آرام، یواش / خراب ⇨ درست

مترادف

ادبیات جهان

ملت ⇨ اُمت / سروری ⇨ آقای / تقدیر ⇨ سرنوشت

آدم آهنی و شاپرک

قصه ⇨ داستان / متأسفانه ⇨ بدبختانه / تحسین ⇨ تشویق / ملاقات ⇨ دیدار / غلط ⇨ اشتباه / سرشناس ⇨ معروف / مسخره ⇨ ریشخند / ساکت ⇨ خاموش / صبر ⇨ شکیبایی / التماس ⇨ خواهش / مراقبت ⇨ مواظبت / سعی ⇨ تلاش، کوشش / آسیب ⇨ لطمه

واژگان مهمّ املایی

ادبیات جهان

ملت - سروری - تقدیر - خویش

آدم آهنی و شاپرک

قصه - سالن - جذّاب - وسایل - حرکات - بازوان - آهنین - جعبه‌مانند - سوالات - اصلاً - روغن - فهرست - سلامتی - لوزه - هرگز - موقع - بعضی اوقات - مؤذیانة - جدّاً - شب‌پره - بلوط - مزه - طرّاحی - متأسّفانه - خداحافظ - عزیز - طولانی - احساس - فرق - غلط - تحسین - خوشایند - ملاقات - انبوه - سراغ - اشتباه - عصبانیت - مسخره - رئیس - قسمت - وضعیت - تشویق - تعریف - مطمئن - ساده‌دلی - استراحت - ساکت - غرّش - مؤذبانة - مرتباً - بدجنس - بی‌صبری - التماس - شجاعت - قوی - مراقب - ببلعد - بلافاصله - غرّغز - ناراحت - محکم - سکوت - حاکم - حلقه - ملافه - رایحه

نشانه تنوین (ُ)

یکی از نشانه‌های پرکاربرد در املاّی فارسی، نشانه تنوین است که معمولاً به شکل «أ» نوشته و به صورت «ن» خوانده می‌شود. هنگام نوشتن واژه‌هایی که به نشانه تنوین ختم می‌شوند، باید دقت کنیم و شکل درست آن‌ها را بنویسیم.

مهم‌ترین واژه‌های تنوین‌دار در زبان فارسی:

لطفاً - اصلاً - حتماً - جدّاً - فعلاً - بعضاً - آکیداً - کتباً - اساساً - کاملاً - حقیقتاً - واقعاً - موقتاً - مرتباً - اتفاقاً - تدریجاً - شخصاً - اولاً - ثانیاً - ثالثاً - قبلاً - بعداً

* خوب است بدانید که استفاده از تنوین، فقط در واژه‌هایی مجاز و درست است که از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند؛ بنابراین، استفاده از تنوین در واژه‌هایی مانند «تلفن» (تلفناً)، «جان» (جاناً)، «خواهش» (خواهشاً)، «گاه» (گاهاً) و ... که خودشان فارسی هستند نادرست است؛ زیرا تنوین مربوط به دستور زبان عربی است و نباید واژگان فارسی را با تنوین عربی به کار گرفت.

تفاوت شکل نوشتاری و شکل گفتاری حرف «ج»

در زبان فارسی، وقتی حرف «ج» پیش از حرف «ت» قرار بگیرد، معمولاً هنگام خواندن «ج» را به صورت «ش» تلفظ می‌کنیم. مثلاً واژه‌های «اجتماع» و «مجتبی» را به صورت «اشتماع» و «مشتبی» تلفظ می‌کنیم. باید دقت داشته باشیم تا در هنگام املا، شکل درست این واژه‌ها را با حرف «ج» بنویسیم. (صورت مکتوب کلمه مهم است، نه تلفظ آن!)

درس هفدهم: ما می‌توانیم

واژگان هم‌خانواده

ما می‌توانیم

شرکت	↔	شرکا، شریک، مشارکت، اشتراک، مشترک
تسهیلات	↔	سهل، سهولت
تقسیم	↔	قسم، قسمت، قاسم، مقسوم، اقسام
نصف	↔	إنصاف، مُنصف، مُنصف
ادامه	↔	دوام، مداوم، دائم، مُدام
شدّت	↔	شدید، تشدید
عاقبت	↔	عقب، تعقیب، عواقب، عقوبت
خالی	↔	خَلأ، تخلیه، خلوت
فاصله	↔	فصل، مُفصل، تفصیل، فواصل، فصول، مُفضل، مُفاصل
قرین	↔	تقارن، قرینه، مُقارن، متقارن، مقرون
امر	↔	امور، مأمور، مأموریت، اوامر، اِمارت
ضربه	↔	ضارب، مضروب، ضرب
رقم	↔	مرقوم، ارقام
سماجت	↔	سبوح
تصمیم	↔	مصمّم
جلسه	↔	مجلس، اجلاس، جُلوس
کافی	↔	کفایت، مکفی، اِکتفا
دفن	↔	مدفون، تدفین، دَفینه
ادارات	↔	اداره، مدیر، اداری
رحمت	↔	رحم، مرحوم، ترحیم، مرحمت، مُراحم

بخش سوم:

دانش‌های زیبایی و ادبی پرسش‌های تکوینی و چهارگزینه‌ای

درس اول

دانش زبانی (دستور زبان)

جمله

«جمله» کلامی است که از یک واژه یا مجموعه‌ای از چند واژه درست شده باشد، معنای کاملی داشته باشد و پیامی را از گوینده یا نویسنده به شنونده یا خواننده منتقل کند.

مثال ۱ حسن از صبح به مدرسه می‌رود.

مثال ۲ فاطمه خندید.

مثال ۳ آمد.

چند نکته مهم درباره جمله:

۱ مهم‌ترین بخش جمله، «فعل» است؛ به عبارت دیگر، هر کدام از بخش‌های جمله را حذف کنیم، باز هم جمله باقی می‌ماند، ولی اگر فعل را کنار بگذاریم، جمله معنای خود را از دست می‌دهد.

مثال در جمله «علی با من به خانه رفت»، «رفت» فعل و مهم‌ترین بخش جمله است. با حذف همه بخش‌های جمله، به جز فعل، هم‌چنان جمله باقی می‌ماند:

علی با من به خانه رفت. ← جمله هم‌چنان پابرجا و بامعنی است.

علی با من به خانه رفت. ← جمله هم‌چنان پابرجا و بامعنی است.

علی با من به خانه رفت. ← جمله هم‌چنان پابرجا و بامعنی است.

علی با من به خانه رفت. ← جمله بی‌معنی می‌شود و پیام را به شنونده یا مخاطب منتقل نمی‌کند.

۲ جمله می‌تواند یک واژه باشد، یا مجموعه‌ای از چند واژه.

مثال معلم سر کلاس آمد، مرا دید، خندید.

جمله (۱) جمله (۲) جمله (۳)

جمله اول از چهار واژه، جمله دوم از دو واژه و جمله سوم فقط از یک واژه درست شده است.

تعداد جمله‌ها را چگونه بشماریم؟

برای تشخیص جمله‌ها و شمارش تعداد آن‌ها در یک عبارت یا یک بیت، باید مراحل زیر را طی کنیم:

۱ «فعل‌های موجود» در عبارت یا بیت را می‌شماریم؛ هر فعل، نشان‌دهنده یک جمله است.

۲ «فعل‌های حذف‌شده» عبارت یا بیت را می‌شماریم؛ فعل‌های حذف‌شده هم نشان‌دهنده یک جمله هستند.

۳ «شبه‌جمله‌های به‌کاررفته» در عبارت یا بیت را می‌شماریم؛ هر شبه‌جمله یک جمله به حساب می‌آید.

۴ «منادا»های عبارت یا بیت را می‌شماریم؛ هر منادا یک جمله به شمار می‌رود.

۵ مجموع اعداد به‌دست‌آمده در مراحل بالا، تعداد کُل جمله‌های یک عبارت یا یک بیت را نشان می‌دهد.

مثال بیت زیر دارای پنج جمله است:

«هان، مشو نومید، چون واقف نه‌ای از سرّ غیب باشد اندر پرده بازی‌های پنهان، غم مخور»

جمله اول (شبه‌جمله): هان

جمله دوم (فعل موجود در بیت): نومید مشو

جمله سوم (فعل موجود در بیت): از سز غیب واقف نه‌ای (نیستی)

جمله چهارم (فعل موجود در بیت): بازی‌های پنهان اندر پرده باشد

جمله پنجم (فعل موجود در بیت): غم مخور

چرا در یک بیت یا عبارت، گاهی فعل حذف می‌شود؟

معمولاً به دو دلیل اصلی، فعل‌ها حذف می‌شوند:

۱ به دلیل محدودیت در وزن شعر، در این حالت، معمولاً از روی معنی، باید به وجود این فعل‌های محذوف پی ببریم.

مثال ۱ هر یکی برگ کوچکی در دست باز انگار زنگ انشا بود

این بیت دارای دو جمله است و فعل «داشت» در مصراع اول، حذف شده است. به کمک معنی بیت، می‌توانیم وجود این فعل را بفهمیم. جمله اول:

هر یکی برگ کوچکی در دست [داشت].

جمله دوم: باز انگار زنگ انشا بود.

۲ به دلیل پرهیز از تکرار، گاهی هم برای پرهیز از تکرار و درازگویی، کلمات و از جمله فعل، به قرینه‌ای در کلام، حذف می‌شود؛ در این حالت، به کمک

فعل‌های دیگر می‌توانیم فعل حذف‌شده را پیدا کنیم.

مثال ۲ ملک‌زاده‌ای کوتاه و حقیر بود و برادر دیگر، بلند و خوب‌روی.

این عبارت دارای دو جمله است و فعل «بود» در جمله دوم، حذف شده است. به کمک فعل جمله اول (بود) متوجه وجود این فعل می‌شویم.

جمله اول: ملک‌زاده‌ای کوتاه و حقیر بود.

جمله دوم: برادر دیگر بلند و خوب‌روی [بود].

شبه‌جمله چیست؟ (یادآوری از سال ششم)

«شبه‌جمله» به واژه یا عبارتی می‌گویند که ساختار و شکل ظاهری آن مانند جمله‌های عادی زبان فارسی نیست، ولی پیام کاملی را به شنونده یا خواننده منتقل می‌کند.

مثال ۱ سلام! حالت چطور است؟ جمله اول (شبه‌جمله): سلام! / جمله دوم (دارای فعل): حالت چطور است؟

مثال ۲ وای! چرا آمدی؟ جمله اول (شبه‌جمله): وای! / جمله دوم (دارای فعل): چرا آمدی؟

مهم‌ترین شبه‌جمله‌ها: سلام، خداحافظ، بله، نه، وای، آه، آخ، آخ، حیف، کاش، ممنون، خیلی خُب، عجب، هان، هین

منادا چیست و نشانه‌های آن کدام است؟ (یادآوری از سال ششم)

«منادا» واژه یا مجموعه‌ای از چند واژه است که مورد «ندا» قرار می‌گیرد؛ یعنی آن را «صدا می‌زنیم».

منادا می‌تواند نشانه‌دار یا بی‌نشانه باشد.

مهم‌ترین نشانه‌های ندا،

۱ ای (پیش از منادا)

۲ یا (پیش از منادا)

۳ ا، ل (پس از منادا)

مثال ۱ ای مگس، عرصهٔ سیمرغ نه جولانگه توست ای مگس: منادا با نشانهٔ «ای»

مثال ۲ یا رب، نظر تو برنگردد ای رب: منادا با نشانهٔ «یا»

مثال ۳ شهریارا، بی حسیب خود نمی‌کردی سفر ای شهریارا: منادا با نشانهٔ «ای»

مثال ۴ علی، ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را؟ ای علی: منادا بی‌نشانه / ای همای رحمت: منادا با نشانهٔ «ای»

دانش ادبی (آرایه‌های ادبی)

شخصیت‌بخشی (تشخیص): (یادآوری از سال ششم)

شخصیت‌بخشی یا تشخیص، عبارت است از این‌که در یک متن، یک ویژگی انسانی دربارهٔ موجودی غیر از انسان به کار برود، یا ویژگی موجودات زنده، دربارهٔ موجودی غیرجاندار استفاده شود؛ یعنی تصوّر کنیم که یک موجود غیرانسان، می‌تواند مانند یک انسان عمل کند، یا یک موجود غیرجاندار، مثل یک جاندار رفتار کند.

مثال ۱ غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم مثل لبخند، باز خواهم شد

غنچه مانند انسانی تصوّر شده که می‌تواند «سخن بگوید» و «دلتنگ باشد».

مثال ۲ ای دل، نه هزار عهد کردی کاندر طلبِ هوانگردی؟ (کاندر: که اندر / هوا: هوس)

«دل» مانند انسانی فرض شده که هم می‌تواند «مخاطب قرار بگیرد» و هم می‌تواند «عهد و پیمان ببندد» و «به دنبال هوا و هوس برود».

* هر وقت موجودی غیر از انسان را مورد ندا قرار بدهیم، از آرایهٔ شخصیت‌بخشی استفاده کرده‌ایم.

کنایه: (یادآوری از سال ششم)

برخی از واژه‌ها یا عبارات، یک معنای ظاهری و نزدیک دارند، و یک معنای دور؛ اصطلاحاً به معنای دور این عبارات یا واژه‌ها، «معنای کنایی» می‌گویند و این نوع عبارات‌ها و واژه‌ها هم «کنایه» نام دارند.

مثال ۱ گوشهٔ حیاط آبیغوره گرفته است. ← معنای ظاهری: آب غوره گرفته است. / معنای کنایی: گریه می‌کند.

مثال ۲ داری آب در هاون می‌کوبی. ← معنای ظاهری: آب را در هاون می‌کوبی. / معنای کنایی: کار بیهوده انجام می‌دهی.

مثال ۳ بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند. ← معنای ظاهری: گرم و با حرارت بودند. / معنای کنایی: مشغول صحبت بودند.

مثال ۴ او انسان دریدللی است. ← معنای ظاهری: دل او مانند دریاست. / معنای کنایی: زود از رفتارهای دیگران ناراحت نمی‌شود؛ بسیار بزرگوار است.

* معنای ظاهری عبارات‌های کنایی، قابل تصوّر واقعی است و به لحاظ منطقی، انجام‌شدنی است.

تضاد: (یادآوری از سال پنجم)

هنگامی که یک شاعر یا نویسنده، در شعر یا نثر خود، دو واژهٔ متضاد را به کار ببرد، آرایهٔ «تضاد» به وجود می‌آید.

مثال ۱ در نومیدی بسی امید است پایان شب سیه، سپید است

واژه‌های «نومیدی» و «امید»، و نیز واژه‌های «سیه» و «سپید» با هم در تضادند.

مثال ۲ گفتی به غم بنشین، یا از سر جان برخیز فرمان بَرَمَتِ جانا، بنشینم و برخیزم

واژه‌های «بنشین» و «برخیز»، و نیز واژه‌های «بنشینم» و «برخیزم» با هم متضادند.

قهرین‌های دانش‌های زبانی و ادبی

قهرین‌های تکوینی جمله

نبا واژه‌های زیر را به شیوه‌ای در کنار هم مرتّب کنید که به عبارات‌های معناداری تبدیل شوند.

۱- ریزد - خود - بزرگان - ستیزد - خون - با - هر که

۲- آدم - کوه - به - به - نمی‌رسد - کوه - ولی - می‌رسد - آدم

۳- مصلحت‌آمیز - به - راستی - از - دروغی - فتنه‌انگیز

۴- سال‌های - زدم - طبیعت - نوجوانی - از - خستگی‌ناپذیری - داشتم - که - کنجکاوی - سری - روستا - به - در - یکی

۵- کوچک‌تر - او - می‌کشید - حلقه - می‌کرد - را - فریاد - و

ب) مشخص کنید که هر کدام از بیت‌ها یا عبارتهای زیر، از چند جمله درست شده‌اند.

۱- کژال به موهایش چنگ زد و گفت: روناک! روناک! دایه‌ات بمیرد، روله!

۲- اندک‌اندک خیلی شود و قطره‌قطره سیلی.

۳- یکی را گفتند: عالم بی‌عمل به چه مآند؟ گفت: به زنبور بی‌عسل.

۴- ای نور ما، ای سور ما، ای دولت منصور ما جوشی پنه در شور ما، تا می شود انگور ما (سور: جشن، مهمانی)

۵- ای نفسی روشنی باد صبا از بر یار آمده‌ای؟ مرحبا!

ب) جمله‌های درست را با و جمله‌های نادرست را با مشخص کنید.

۱- عبارت «الهی، مرا آن ده، که آن په» از سه جمله درست شده است.

۲- مصراع اول بیت زیر، دارای سه جمله است.

«عید آمد و عید آمد، یاری که رمید آمد عیدانه فراوان شد، تا باد چنین بادا!»

۳- در بیت زیر «منادا» به کار نرفته است.

«در تو پروین، نیست فکر و عقل و هوش ورنه، دیگ حق نمی‌افتد ز جوش» (ورنه: وگرنه)

۴- عبارت «دو کس مُردند و حسرت بُردند: یکی آن که داشت و نخورد و دیگر آن که دانست و نکرد» دارای شش جمله است.

۵- بیت زیر مجموعاً پنج جمله دارد.

«هان، ای دل عبرت‌بین، از دیده عبّر کن، هان ایوان مدائن را آینه عبرت دان»

ب) در هر مورد، جای خالی را با واژه یا واژه‌های مناسب کامل کنید.

۱- بیت «جهان، دست جفا بگشاد، آوخ / وفا را زور بازویی نمانده است» از جمله تشکیل شده است.

۲- اگر بیت «برگ درختان سبز، در نظر هوشیار / هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار» را مرتب کنیم، آخرین واژه است.

۳- مصراع دوم بیت «شبم از روی برگ گل برخاست / گفت می‌خواهم آفتاب شوم» از جمله درست شده است.

۴- بیت زیر از جمله ساخته شده و جمله شبه‌جمله است.

«هین، سخن تازه بگو، تا دو جهان تازه شود واژهد از حد جهان، بی حد و اندازه شود»

تمرین‌های تکوینی آرایه شخصیت‌بخشی (تشخیص)

ب) در هر کدام از موارد زیر، جای خالی را با واژه یا واژه‌های مناسب کامل کنید.

۱- در بیت زیر، بار از آرایه شخصیت‌بخشی استفاده شده است.

«باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد»

۲- در بیت «دشمنانت همیشه بیدارند / خواب گاهی برادر مرگ است»، ویژگی درباره به کار رفته و آرایه شخصیت‌بخشی را ایجاد کرده است.

۳- آرایه شخصیت‌بخشی در مصراع بیت زیر به کار رفته است.

«پرسش تشنگی را تو آبی، جوابی ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند»

۴- در شعر زیر، بار آرایه شخصیت‌بخشی در بخش دیده می‌شود.

«من دلم می‌خواهد / دستمالی خیس / روی پیشانی تبار بیابان بکشم»

۵- در بیت زیر آرایه شخصیت‌بخشی به کار (رفته / نرفته) است.

«هم تو گل‌های این باغ را می‌شناسی هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند»

ب) جمله‌های درست را با و جمله‌های نادرست را با مشخص کنید.

۱- در بیت زیر، آرایه شخصیت‌بخشی وجود دارد.

«گفتیم غروب کرده، اما انگار رفته است نماز شب بخواند خورشید»



۲- در مصراع اول بیت زیر آرایه شخصیت‌بخشی دیده می‌شود.

«حسین اگر پسر توست، با اشاره او سیاهپوش عزای مُحَرَّم است، زمین»



۳- بیت زیر آرایه شخصیت‌بخشی ندارد.

«رود است علی، پاک و زلال است و روان کوه است علی که استوار است و گران»



۴- مصراع دوم بیت زیر دارای آرایه شخصیت‌بخشی است.

«تو فقط کوه باش و پابرجا مرگ تا حدّ مرگ می‌ترسد»



۵- در مصراع «دلا تا کی در این زندان، فریب این و آن بینی؟» آرایه شخصیت‌بخشی وجود ندارد.

📌 در هر کدام از بیت‌ها یا عبارات‌های زیر، آرایه شخصیت‌بخشی را بیابید و نشان دهید.

۱- ای دل غم‌زده، دیری است که عادت دارم به سخن‌های پریشان تو عادت بکنم

۲- با زبان عقربک، می‌گفت عمر: می‌روم، بشنو صدای پای من

۳- آب زیند راه را، هین، که نگار می‌رسد مژده دهید باغ را، بوی بهار می‌رسد

۴- آب می‌رفت تا خود را به دهان خشک زمین و صدها کشتزار سوخته و نگاه‌های پژمرده هزاران درخت تشنه برساند.

۵- کودکان پرنشاط گل‌بوته‌ها و نوجوانان امیدوار دَرت‌ها، در گوش نسیم آمین می‌گفتند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای جمله

۱- بیت زیر از چند جمله درست شده است؟

«منتظران بهار، فصل شکفتن رسید

(۱) پنج (۲) دو

۲- در کدام گزینه، تعداد جمله‌ها بیشتر است؟

(۱) غنچه هم گفت گرچه دلتنگم

(۲) جوجه‌های کبوتران گفتند

(۳) تا افق‌های دور کوچ کنم

(۴) شب‌نم از روی برگ گل برخاست

۳- در کدام گزینه، شبه‌جمله به کار رفته است؟

(۱) سلام من به خوزستان، پیام من به سامانش

(۲) بی‌طَمَع نشنیده‌ام از خاص و عام

(۳) دیری است که دلدار پیامی نفرستاد

(۴) مگر با درود و پیام و سلام

۴- در کدام گزینه، تعداد جملات با بیت زیر برابر است؟

«کاش روزی به کام خود برسید بچّه‌ها، آرزوی من این است»

(۱) ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانی

(۲) ای هست‌کن اساس هستی کوتاه ز درت درازدستی

(۳) جهان جمله فروغ روی حق دان حق اندر وی ز پیدایی است، پنهان

(۴) هر یکی برگ کوچکی در دست باز انگار زنگ انشا بود

(۴) چهار

(۳) سه

مثل لب‌خند باز خواهم شد

کاش می‌شد کنار هم باشیم

باز پیغمبر بهار شوم

گفت می‌خواهم آفتاب شوم

به بهمن شیر جوشان و به کارون خروشان

من سلامی ای برادر، والسلام

ننوشت کلامی و سلامی نفرستاد

دو کشور شود زین سخن شادکام

۵- در کدام گزینه منادا وجود دارد؟

- (۱) هریک از بچه‌ها به سویی رفت
 (۲) کاش روزی به کام خود برسد
 (۳) بچه‌ها در کلاس جنگل سبز
 (۴) بچه‌ها گرم گفتم و گو بودند

پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایهٔ شخصیت‌بخشی (تشخیص)

۱- در کدام گزینه، آرایهٔ تشخیص به کار رفته است؟

- (۱) تیر روانه می‌رود، سوی نشانه می‌رود
 (۲) بنمای رخ، که باغ و گلستانم آرزوست
 (۳) بمیرید، بمیرید، در این عشق بمیرید
 (۴) ای دل، ز غبار جسم اگر پاک شوی
- ما چه نشسته‌ایم پس؟ شه ز شکار می‌رسد
 بگشای لب، که قند فراوانم آرزوست
 در این عشق چو مُردید، همه روح پذیرد
 تو روح مجزّدی، بر افلاک شوی (مجزّذ: غیرمادی)

۲- در بیت زیر، آرایهٔ تشخیص برای کدام واژه به کار رفته است؟

- «کاش من هم عبور تو را دیده بودم کوچه‌های خراسان تو را می‌شناسند»
 (۱) عبور (۲) کوچه‌های خراسان (۳) تو (۴) می‌شناسند

۳- در بیت دوم شعر زیر، چند بار ویژگی‌های انسانی برای موجود غیرانسان به کار رفته است؟

- «این درختانند همچون خاکیان دست‌ها بر کرده‌اند از خاکدان
 با زبان سبز و با دست دراز از ضمیر خاک می‌گویند راز»
 (۱) یک بار (۲) دو بار (۳) سه بار (۴) چهار بار

۴- در کدام گزینه، آرایهٔ تشخیص دیده نمی‌شود؟

- (۱) با خودش زیر لب چنین می‌گفت
 (۲) غنچه هم گفت گرچه دلتنگم
 (۳) زنگ تفریح را که زنجره زد
 (۴) جوجه‌های کبوتران گفتند
- آرزوهایت آن چه رنگین است!
 مثل لبخند باز خواهیم شد
 باز هم در کلاس غوغا شد
 کاش می‌شد کنار هم باشیم

۵- در کدام یک از بیت‌های زیر، آرایهٔ تشخیص به کار نرفته است؟

- (الف) مقصود من از عشق، نه این حس مجازی است
 (ب) بیاید هر که از فرهاد، شیرین عقل تر باشد
 (پ) خداوند نام و خداوند جای
 (ت) بیهوده ترک نخورده لب‌های کویر
- ای عشق، مبدا که جسارت شده باشد!
 نیاید هیچ‌کس جز ما و مجنون‌ها و لیلها
 خداوندِ روزی ده رهنمای
 لب‌های حسین بن علی را دیده است
- (۱) الف، ب (۲) ب، پ (۳) پ، ت (۴) ت، الف

پاسخ‌تقرین‌های دانش‌های زبانی و ادبی

پاسخ‌تقرین‌های تکوینی جمله

الف

- ۱- هر که با بزرگان ستیزد، خون خود ریزد.
 ۲- کوه به کوه نمی‌رسد، ولی آدم به آدم می‌رسد.
 ۳- دروغی مصلحت‌آمیز، به از راستی فتنه‌انگیز.

- ۴- در یکی از سال‌های نوجوانی که کنجکاوای خستگی‌ناپذیری داشتم، سری به طبیعت روستا زدم.
۵- او فریاد می‌کشید و حلقه را کوچک‌تر می‌کرد.

ب

- ۱- شش جمله: کزال به موهایش چنگ زد و گفت: [ای] روناک! [ای] روناک! دایهات بمیرد، [ای] روله!
(۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶)
- ۲- دو جمله: اندک‌اندک خیلی شود و قطره‌قطره سیلی [شود].
(۱) (۲)
- ۳- چهار جمله: یکی را گفتند: عالم بی‌عمل به چه [می‌ماند]؟ گفت: به زنبور بی‌عسل [می‌ماند].
(۱) (۲) (۳) (۴)
- ۴- پنج جمله: ای نور ما، ای سور ما، ای دولت منصور ما، در شور ما جوشی بینه، تا انگور ما می‌شود.
(۱) (۲) (۳) (۴) (۵)
- ۵- سه جمله: ای نفسی روشن باد صبا! از پر یار آمده‌ای؟ مرحبا!
(۱) (۲) (۳)

ب

- ۱- الهی، مرا آن ده، که آن به.
(۱) (۲) (۳)
- ۲- مصراع اول بیت دارای چهار جمله است: عید آمد و عید آمد، یاری که رمید آمد.
(۱) (۲) (۳) (۴)
- ۳- در این بیت، «پروین» منادا است.
(۱) (۲) (۳) (۴) (۵)
- ۴- دو کس مردند و حسرت بردند: یکی آن که داشت و نخورد و دیگر آن که دانست و نکرد.
(۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶)
- ۵- هان، ای دل عبرت‌بین، از دیده عبر کن، هان؛ ایوان مدائن را آیینۀ عبرت دان.
(۱) (۲) (۳) (۴) (۵)

ب

- ۱- سه / جهان دست جفا بگشاد، آوخ، وفا را زور بازویی نمانده است.
(۱) (۲) (۳)
- ۲- است / در جمله‌های مرتب‌شده عادی زبان فارسی، فعل آخرین جزء جمله است: «در نظر هوشیار برگ درختان سبز هر ورقش دفتری از معرفت کردگار است.»
(۱) (۲) (۳)
- ۳- سه / گفت می‌خواهم آفتاب شوم.
(۱) (۲) (۳)
- ۴- پنج - اول / هین (شبه‌جمله) سخن تازه بگو، تا دو جهان تازه شود، وازهد از حدّ جهان، بی‌حد و اندازه شود.
(۱) (۲) (۳) (۴) (۵)

پاسخ تمرین‌های آرایه شخصیت‌بخشی (تشخیص)

ب

- ۱- چهار / ویژگی‌های «سلام کردن» برای «باغ»، «قیام کردن» برای «سرو»، «پیاپی بودن» برای «سبزه» و «سوار بودن» برای «غنچه»، تشخیص هستند.
- ۲- داشتن برادر (برادر مرگ بودن) برای «خواب» و «برادر داشتن» «مرگ»، هر دو شخصیت‌بخشی دارند.
- ۳- دوم / نسبت‌دادن ویژگی «شناختن» به «ریگ‌های بیابان» تشخیص دارد.
- ۴- یک - سوم / نسبت‌دادن ویژگی «داشتن پیشانی تب‌دار» برای «بیابان»، شخصیت‌بخشی دارد.
- ۵- نرفته است (چون نهاد آن انسان (تو) است، نه اشیا).



- ۱- ✓ / «نماز شب خواندن خورشید» تشخیص دارد.
- ۲- ✗ / آرایه تشخیص در مصراع دوم بیت وجود دارد: «سیاهپوش شدن زمین».
- ۳- ✓ / زیرا نهاد جمله «علی (علیه السلام)» است که به «کوه» و «رود» تشبیه شده است.
- ۴- ✓ / استفاده از ویژگی «ترسیدن» برای «مرگ» شخصیت بخشی است؛ زیرا «مرگ» شعور و حس ندارد.
- ۵- ✗ / مخاطب قراردادن «دل»، شخصیت بخشی دارد.



- ۱- مخاطب قراردادن «دل» / به کاربردن ویژگی «سخن گفتن» برای «دل»
- ۲- نسبت دادن ویژگی «سخن گفتن» به «عمر» / داشتن «صدای پا» برای «عمر»
- ۳- «مژده دادن» به «باغ» شخصیت بخشی دارد.
- ۴- «دهان داشتن» برای «زمین» و «داشتن نگاه» برای «درختان» شخصیت بخشی دارد.
- ۵- «پرنشاط بودن گل بوته‌ها»، «امیدواربودن ذرت‌ها»، «گوش داشتن نسیم» و «آمین گفتن گل بوته‌ها و ذرت‌ها» شخصیت بخشی است.

پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای جمله

- ۱- گزینه ۴ جمله‌ها عبارت‌اند از: [آی] منتظران بهار، فصل شکفتن رسید؛ مژده به گل‌ها برید، یار به گلشن رسید.
(۱) (۲) (۳) (۴)
- ۲- گزینه ۴) چهار جمله است، اما گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)، به ترتیب سه، سه و دو جمله دارند.
- ۳- گزینه ۲) «والسلام» در گزینه (۲) شبه‌جمله است. در گزینه‌های دیگر شبه‌جمله وجود ندارد. (دقت کنید که واژه «سلام» در همه جا شبه‌جمله نیست).
- ۴- گزینه ۱) بیت صورت سؤال و گزینه (۱) سه جمله دارند.

بررسی تعداد جمله‌ها در هر بیت،

بیت صورت سؤال: کاش روزی به کام خود برسید، [آی] بچه‌ها، آرزوی من این است.
(۱) (۲) (۳)

گزینه (۱): ای [کسی] که یاد تو مونس روانم [است]، جز نام تو بر زبانم نیست.
(۱) (۲) (۳)

گزینه (۲): ای هست کن اساس هستی، درازدستی از درت کوتاه است.
(۱) (۲)

گزینه (۳): جمله جهان [را] فروغ روی حق بدان؛ حق در وی، از پیدایی پنهان است.
(۱) (۲)

گزینه (۴): هر یکی برگ کوچکی در دست [داشت]؛ باز انگار زنگ انشا بود.
(۱) (۲)

۵- گزینه ۲) «بچه‌ها» در گزینه (۲) منادا است. [آی بچه‌ها! آرزوی من این است که ...]

پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای آرایه شخصیت بخشی (تشخیص)

- ۱- مخاطب قراردادن «دل»، تشخیص است. در بیت‌های دیگر آرایه تشخیص به کار نرفته است.
- ۲- ویژگی «شناختن» به «کوچه‌های خراسان» نسبت داده شده است.
- ۳- «زبان داشتن»، «دست داشتن» و «سخن گفتن» سه ویژگی انسانی است که برای «درختان» به کار رفته است.
- ۴- در گزینه (۱) آرایه تشخیص وجود ندارد. در گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴)، به ترتیب «سخن گفتن» و «دل‌تنگ بودن» غنچه، «زدن زنگ تفریح» برای «زنجره» و «سخن گفتن» جوجه‌های کبوتران، تشخیص دارند.
- ۵- گزینه ۲) در بیت «الف»، مخاطب قراردادن عشق و در بیت «ت»، «لب داشتن کویر» و نسبت دادن فعل «دیدن» برای کویر، آرایه شخصیت بخشی دارند.

بخش چهارم:

پرسش‌های چهارگزینه‌ای و پاسخ درس به درس

درس اول: زنگ آفرینش

معنی واژه

- ۱- معنای کدام واژه به درستی نوشته نشده است؟
 (۱) کام: آرزو (۲) فارغ: آسوده (۳) زنجره: حشره (۴) رهسپار: عازم
- ۲- در کدام گزینه، معنای همه واژه‌ها به درستی نوشته شده است؟
 (۱) فروغ: روشنایی / مونس: یار / اساس: وسایل (۲) گلدسته: گنبد / درازدستی: زورگویی / توفیق: سازگاری (۳) طفولیت: کودکی / قریب: ناآشنا / دوگانه: نماز دورکعتی (۴) مصحف: کتاب آسمانی / ظلمت: تاریکی / هست کن: خالق
- ۳- معنای واژه «کام» در کدام گزینه متفاوت است؟
 (۱) میان عاشق و معشوق، یک کرشمه بس است (۲) نشانی همی‌بینم و نام، نه (۳) بدو گفت خسرو که: نام تو چیست؟ (۴) چنین داد پاسخ که: بر دشت رزم
 بیان حال، به کام و زبان، نمی‌باشد (کرشمه: ناز و آدا)
 ز من، نام پیدا شد و کام، نه
 کجا رفت خواهی و کام تو چیست؟
 شما را همه کام، خواب است و بزم (بزم: جشن، مهمانی)
- ۴- هم‌معنای واژه‌های «موافقت - روح - جمله» به ترتیب در کدام یک از ابیات زیر دیده می‌شود؟
 الف) بمیرید، بمیرید، در این عشق بمیرید در این عشق چو مُردید، همه روح پذیرید
 ب) از خدا جوییم توفیق ادب بی‌ادب محروم شد از لطف رب
 پ) درود ملک بر روان تو باد بر اصحاب و بر پیروان تو باد
 (۱) الف، ب، پ (۲) ب، پ، الف (۳) پ، الف، ب (۴) ب، الف، پ

واژه‌شناسی (هم‌خانواده، املا، مترادف، متضاد)

- ۵- کدام واژه با «متعبّد» هم‌خانواده نیست؟
 (۱) عبادت (۲) تبعید (۳) معبود (۴) عابد
- ۶- رابطه واژه‌ها در کدام گزینه یکسان نیست؟
 (۱) ظلمت - نور (۲) فارغ - گرفتار (۳) انیس - مونس (۴) دور - قریب
- ۷- در کدام گزینه همه واژه‌ها مترادف هستند؟
 (۱) متعبّد، شکرگزار، عبادت‌کننده (۲) هست کن، زیباکننده، خالق (۳) تهدید، درازدستی، ستمگری (۴) آسوده، فارغ، متفاوت
- ۸- در همه گزینه‌ها، تمام واژه‌ها هم‌خانواده هستند، به جز.....
 (۱) مؤتسه - تأسیس - اساس - مؤتس (۲) خادم - مخدوم - خدمه - خدمت (۳) موافق - توفیق - موفقیّت - توافق (۴) انیس - مأنوس - نسیان - مونس
- ۹- با توجه به معنا، املاي کدام واژه نادرست است؟
 (۱) اثاث: پایه (۲) غریب: ناآشنا (۳) قصه: داستان (۴) خواست: آرزو
- ۱۰- در کدام گزینه غلط املايي وجود دارد؟
 (۱) در روزهایی که فراغت دارم، حتماً سری به پدر و مادرم می‌زنم. (۲) با شنیدن این خبر، سریعاً از جایم برخاستم و از اتاق بیرون رفتم. (۳) پدر بزرگ من، هر سال در محترم و صفر مجلس عزاداری برگزار می‌کند. (۴) من از اساس با انجام این کار در این فصل از سال، مخالفم.
- ۱۱- از میان گروه واژه‌های زیر، املاي چند واژه درست است؟
 «مونس روانم - توفیق الهی - فروغ و روشنایی - غوقا و سروصدا - افق‌های آسمان - زائر حرم - قفلت و بی‌خبری - زنجره و سیرسیرک»
 (۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) چهار

معنی و مفهوم

۱۲- عبارت «جان پدر! تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین خلق افتی» با کدام یک از ابیات زیر قرابت معنایی ندارد؟

- (۱) گوشت‌های بندگان حق خوری
 (۲) جفاظ آینه این یک هنر بس
 (۳) آن چه در غیبت ای دوست، به من می‌گذرد
 (۴) حسودی پسندت نیامد ز دوست
- غیبت ایشان کنی، کیفر ببری (کیفر: مجازات)
 که پیش کس، نگوید غیبت کس (حفاظ: نگهبان)
 نتوانم که حکایت کنم، إلا به حضور (الا: مگر)
 که معلوم کردت که غیبت نکوست؟ (معلوم کردت: به تو اعلام کرد)

۱۳- در بیت «از ظلمت خود رهایی ام ده / با نور خود آشنایی ام ده» منظور از «خود» در مصراع اول و دوم، به ترتیب چیست؟

- (۱) شاعر - خداوند
 (۲) شاعر - شاعر
 (۳) خداوند - شاعر
 (۴) خداوند - خداوند

۱۴- در هریک از بیت‌های زیر، یکی از صفات خداوند برجسته‌تر است؛ این صفت، در کدام گزینه به درستی نوشته نشده است؟

- (۱) هم قصه نانموده دانی
 (۲) ای هست کن اساس هستی
 (۳) هم توبه عنایت الهی
 (۴) ای کارگشای هر چه هستند
- هم نامه نانوشته خوانی (قدرت الهی)
 کوتاه ز درت، درازدستی (خالقیت)
 آن جا قدم رسان که خواهی (هدایت خداوند)
 نام تو کلید هر چه بستند (گشایش الهی)

آرایه‌های ادبی

۱۵- در کدام گزینه، آرایه تشخیص به کار نرفته است؟

- (۱) غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم
 (۲) با خودش زیر لب چنین می‌گفت:
 (۳) زنگ تفریح را که زنجره زد
 (۴) جوجه‌های کبوتران گفتند:
- مثل لبخند، باز خواهم شد
 آرزوهایتان چه رنگین است!
 باز هم در کلاس غوغا شد
 کاش می‌شد کنار هم باشیم

۱۶- در کدام گزینه آرایه کنایه دیده نمی‌شود؟

- (۱) غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم
 (۲) بچه‌ها گرم گفت‌وگو بودند
 (۳) گفت: باغی بزرگ خواهم شد
 (۴) ای هست کن اساس هستی
- مثل لبخند، باز خواهم شد
 باز هم در کلاس غوغا بود
 تا ابد، سبز سبز خواهم ماند
 کوتاه ز درت، درازدستی

۱۷- با توجه به حکایت زیر، کدام عبارت دارای معنای کنایی است؟

«یاد دارم که در ایام طفولیت، متعبّد و شب‌خیز بودم. شبی در خدمت پدر نشسته بودم و همه شب، دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته. پدر را گفتم: از اینان، یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد. چنان خواب غفلت برده‌اند، که گویی نخفته‌اند، که مرده‌اند. گفت: جان پدر، تو نیز اگر بختی، به از آن که در پوستین خلق افتی.»

- (۱) مصحف عزیز بر کنار گرفته.
 (۲) گویی نخفته‌اند، که مرده‌اند.
 (۳) همه شب، دیده بر هم نبسته.
 (۴) طایفه‌ای گرد ما خفته.

دستور زبان

۱۸- بیت زیر چند جمله دارد؟

«جهان جمله فروغ روی حق دان
 حق اندر وی، ز پیدایی است، پنهان»

- (۱) یک
 (۲) دو
 (۳) سه
 (۴) چهار

۱۹- تعداد جملات، در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) کاش روزی به کام خود برسد / بچه‌ها، آرزوی من این است
 (۲) جوجه‌های کبوتران گفتند / کاش می‌شد کنار هم باشیم
 (۳) غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم / مثل لبخند، باز خواهیم شد
 (۴) جوجه کوچک پرستو گفت / کاش با باد رهسپار شویم

۲۰- عبارت زیر از چند جمله تشکیل شده است؟

«الهی، دلی ده که در کار تو جان بازییم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم؛ دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم.»

- (۱) هفت (۲) هشت (۳) نه (۴) ده

تاریخ ادبیات

۲۱- کدام گزینه از آثار نظامی گنجوی نیست؟

- (۱) مطلع‌الأنوار (۲) لیلی و مجنون (۳) هفت‌بیکر (۴) اسکندرنامه

۲۲- نام صاحب کدام کتاب متفاوت است؟

- (۱) آینه‌های ناگهان (۲) تنفس صبح (۳) الهی‌نامه (۴) به قول پرستو

۲۳- نام صاحب کدام اثر به‌درستی نوشته نشده است؟

- (۱) مثل چشمه مثل رود: قیصر امین‌پور (۲) الهی‌نامه: خواجه عبدالله انصاری
 (۳) خسرو و شیرین: نظامی گنجوی (۴) گلشن راز: سعدی شیرازی

پاسخ‌نامه تشریحی

۱- **گزینه ۳** زنجره: جیرجیرک، سیرسیرک

۲- **گزینه ۴** در گزینه (۴) معنای همه واژه‌ها به‌درستی نوشته شده است.

در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳)، به‌ترتیب معنای واژه‌های «اساس»، «گلدسته» و «قرب» نادرست نوشته شده است.

معنای درست واژه‌ها: اساس: پایه، بنیاد / گلدسته: مناره / قرب: نزدیک

۳- **گزینه ۱** در گزینه (۱)، «کام» به معنای «دهان» است و در گزینه‌های دیگر، به معنای «آرزو» و «خواست».

۴- **گزینه ۲** مترادف واژه‌های صورت سؤال در بیت‌ها: موافقت: توفیق (ب) / روح: روان (پ) / جمله: همه (الف)

۵- **گزینه ۲** واژه «تبعید» از ریشه «ب ع د» است و سایر واژه‌ها از ریشه «ع ب د» هستند.

۶- **گزینه ۳** واژه‌های «انیس» و «مونس» مترادف هستند و جفت‌واژه‌های گزینه‌های دیگر، متضادند.

۷- **گزینه ۱** در گزینه (۱) همه واژه‌ها مترادف‌اند. در گزینه (۲) واژه «زیباکننده»، در گزینه (۳) واژه «تهدید» و در گزینه (۴) واژه «متفاوت» با دو واژه دیگر مترادف نیستند.

۸- **گزینه ۴** در گزینه (۴)، واژه «نسیان» از ریشه «ن س ی» است، ولی سایر واژه‌ها از ریشه «ا ن س» هستند.

۹- **گزینه ۱** «اثاث» به معنی «وسيله» است و هم‌معنای «پایه»، «اساس» نوشته می‌شود.

۱۰- **گزینه ۲** غلط املائی: برخواستم / برخاستم

۱۱- **گزینه ۱** املائی درست واژه‌هایی که نادرست نوشته شده‌اند: فروق / فروغ / غوغا / قفقت / غفلت

۱۲- **گزینه ۳** این گزینه درباره «رنج و سختی در نتیجه دوری از دوست» سخن می‌گوید؛ اما گزینه‌های دیگر، مانند عبارت صورت سؤال، به موضوع

«غیبت‌کردن» اشاره دارند؛ به عبارت دیگر، «غیبت» در گزینه (۳) در معنای لغوی خود به کار رفته، حال آن‌که در گزینه‌های دیگر، معنای اصطلاحی

«پشت سر کسی بدگویی کردن» از آن خواسته شده است.

۱۳- **گزینه ۱** مخاطب بیت، خداوند باری تعالی است و آنچه واضح است این است که بیت در طلب هدایت از خداوند سروده شده؛ بنابراین بنده‌ای که گرفتار ظلمت و تیرگی است، خواهان آشنایی با نور و روشنایی هدایت خداوند شده است. در نتیجه «خود» در مصراع اول به شاعر (بنده) اشاره دارد و در مصراع دوم به خداوند و از آن جایی که شاعر یا خداوند نمی‌توانند هم‌زمان هم دارای ظلمت باشند و هم نور، گزینه‌های (۲) و (۴) رد می‌شوند.

۱۴- **گزینه ۱** گزینه (۱) به «علم الهی» اشاره دارد، نه به «قدرت الهی».

۱۵- **گزینه ۲** در این گزینه، گوینده بیت، «معلم» است و دلیلی برای وجود آرایه تشخیص در این بیت وجود ندارد.

بررسی تشخیص در گزینه‌های دیگر،

گزینه (۱): «سخن گفتن» و «دل‌تنگ‌بودن» برای «غنچه» / گزینه (۳): «زدن زنگ تفریح» برای «زنجره» / گزینه (۴): «سخن گفتن» برای «جوجه‌های کبوتران»

۱۶- **گزینه ۲** بررسی کنایه در گزینه‌های دیگر،

گزینه (۱): «دل‌تنگ‌بودن» کنایه از «غمگین‌بودن»

گزینه (۲): «گرم ... بودن» کنایه از «مشغول ... بودن»

گزینه (۴): «درازدستی» کنایه از «ظلم و زورگویی» (کوتاه‌بودن درازدستی از درگاه تو: راه‌نداشتن ظلم به درگاه تو)

۱۷- **گزینه ۳** «دیده بر هم نیستن» کنایه از «نخوابیدن» است.

۱۸- **گزینه ۲**

۱۹- **گزینه ۴** گزینه (۴) دارای دو جمله است، ولی گزینه‌های دیگر سه جمله دارند.

۲۰- **گزینه ۲** عبارت صورت سؤال، دارای نه جمله است.

۲۱- **گزینه ۱** «مطلع الأنوار» از آثار عبدالرحمن جامی است. (اثر معروف نظامی، «مخزن الأسرار» نام دارد.)

۲۲- **گزینه ۳** «الهی‌نامه» از آثار خواجه عبداللّه انصاری است، ولی کتاب‌های ذکرشده در گزینه‌های دیگر، اثر قیصر امین‌پور هستند.

۲۳- **گزینه ۴** «گلشن راز» اثر شیخ محمود شبستری است.

بخش پنجم:

آزمون‌های جامع چهارگزینه‌ای

آزمون جامع شماره « ۱ »

۱- در میان واژه‌های زیر، معنی چند واژه نادرست نوشته شده است؟

«افق: کرانه آسمان / انصاف: دادگری / برومند: شجاع / طاغوت: نافرمان / برزن: بام / خصلت: خوی / غوغا: همه‌مه / متواضع: فروتنی / نغز: دلکش»

(۱) پنج (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲- معنای واژه «کام» در کدام گزینه متفاوت است؟

(۱) شیرین کام باشید!
(۲) ایام به کام!
(۳) سحرخیز باش تا کامروا شوی.
(۴) کاش روزی به کام خود برسید!

۳- با توجه به معنی، املاي کدام گزینه نادرست است؟

(۱) ثواب و پاداش (۲) فراغت و آسایش (۳) سلاح و تفنگ (۴) امارت و ساختمان

۴- در میان گروه واژه‌های زیر، چند غلط املايي دیده می‌شود؟

«غفلت و بی‌خبری - تسهیلات آموزشی - سماجت عجیب - مودى و مردم‌آزار - مقام دادخواهی - مضاهر و حقایق - سحم عمده - صبر و طاقت»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۵- هم‌خانواده واژه‌های «تأسیس - مقایسه - وارث - تقدیر» به ترتیب در کدام یک از ابیات زیر آمده است؟

الف) ای هست کن اساس هستی
ب) سعدی، به مال و منصب دنیا نظر نکن
پ) کار پاکان را قیاس از خود مگیر
ت) برای دیدن خورشید، در حوالی مکه

میراث بس توانگر و مردار بس کلاغ
گرچه مآند در نوشتن، شیر و شیر
مقدر است بیابان، بنا کند عرفانی

(۱) پ - الف - ب - ت (۲) الف - پ - ب - ت (۳) پ - الف - ت - ب (۴) الف - پ - ت - ب

۶- در کدام گزینه تشبیه دیده نمی‌شود؟

(۱) کتاب پر رمز و راز آفرینش (۲) چشمه جاری معرفت (۳) دهان خشک زمین (۴) نوجوانان امیدوار دُرت‌ها

۷- آرایه مربوط به کدام بیت، نادرست نوشته شده است؟

(۱) ای مرغک خرد، ز آشیانه
(۲) رام تو نمی‌شود زمانه
(۳) مندیش که دام هست یا نه
(۴) شو روز به فکر آب و دانه

پرواز کن و پریدن آموز (شخصیت‌بخشی)
رام از چه شدی؟ رمیدن آموز (تکرار)
بر مردم چشم، دیدن آموز (تشبیه)
هنگام شب، آرمیدن آموز (مراعات‌نظیر)

۸- در کدام گزینه ردیف به کار نرفته است؟

(۱) چو عمرم مدتی با گل گذر کرد
(۲) خداوندا به حق نیک‌مردان
(۳) از ظلمت خود رهایی‌ام ده
(۴) گورخانه راز تو چون دل شود

کمال همنشین در من اثر کرد
که احوال بدم را نیک گردان
با نور خود آشنایی‌ام ده
آن مرادت زودتر حاصل شود

۹- در کدام گزینه، نهاد به درستی مشخص شده است؟

(۱) جهان جمله فروغ روی حق دان
(۲) منتظران بهار، فصل شکفتن رسید
(۳) با نسیمی که زندگی در اوست
(۴) نیست گوینده زین قیاس، خجل

۱۰- در همهٔ گزینه‌ها واژهٔ غیرساده وجود دارد، به‌جز

- (۱) همه گل‌های عالم آزمودم
(۲) ندیدم چون تو و عبرت نمودم
(۳) چو گل بشنید این گفت‌وشنودم
(۴) بگفتا: من گلی ناچیز بودم

۱۱- در بیت زیر، کدام نوع جملات دیده می‌شود؟

«یکی تیشه بگیرید، پی حفرهٔ زندان چو زندان بشکستید، همه شاه و امیرید»

- (۱) خبری - امری (۲) امری - عاطفی (۳) خبری - پرسشی (۴) پرسشی - عاطفی

۱۲- معنی کدام گزینه به مفهوم بیت زیر نزدیک‌تر است؟

«به‌جان زنده‌دلان، سعدیا، که ملک وجود نیرزد آن‌که دلی را ز خود بیازاری»

- (۱) به چه کار آیدت جهان‌داری؟
(۲) نباید ز گیتی تو را یار کس
(۳) که گیتی فراوان نمائند به کس
(۴) کجا خود شکر این نعمت گزارم
مردنت به، که مردم‌آزاری
بی‌آزاری و راستی، یار بس
بی‌آزاری و داد جوید و بس
که زور مردم‌آزاری ندارم؟

۱۳- کدام گزینه دربارهٔ بیت «آفرین جان‌آفرین پاک را / آن‌که جان بخشید و ایمان، خاک را» نادرست است؟

- (۱) منظور از «خاک» انسان است.
(۲) این بیت در ستایش خداوند است.
(۳) واژهٔ «آفرین» در دو معنای متفاوت به کار رفته است.
(۴) این بیت به یگانگی خداوند اشاره دارد.

۱۴- معنای کنایی قسمت مشخص‌شده، در کدام گزینه نادرست نوشته شده است؟

- (۱) دیدم هوا پس است و جای ماندن نیست. (اوضاع خوب نیست).
(۲) ننهام دستم را خواند و زودتر دوید طرف در حیاط. (نقشه‌ام را فهمید).
(۳) با همین حرف‌هایت بود که شیرش کردی. (او را مغرور کردی).
(۴) وقتی از خواب بلند شدم، عزا گرفته بودم که چطور بگویم. (نگران بودم).

۱۵- در کدام گزینه همهٔ آثار «منظومه» هستند؟

- (۱) لیلی و مجنون - بهارستان - شاهنامه
(۲) خسرو و شیرین - گلشن راز - گل و نرروز
(۳) مثنوی معنوی - منطق‌الطیر - گلستان
(۴) بوستان - گلشن ادب - مخزن‌الاسرار

پاسخ تشریحی آزمون جامع شمارهٔ «۱»

۱- **گزینهٔ ۳** معنی درست واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند:

برومند: بارور، باثمر / برزن: کوی، محله، کوچه / متواضع: فروتن، افتاده (فروتنی: تواضع)

۲- **گزینهٔ ۱** «کام» در گزینهٔ (۱) به معنای «دهان» است، ولی در گزینه‌های دیگر به معنای «آرزو» و «خواسته» به کار رفته است.

۳- **گزینهٔ ۴** «امارت» به معنای «فرمانروایی» است؛ واژهٔ «عمارت» با «ساختمان» هم‌معناست.

۴- **گزینهٔ ۳** املائی درست واژه‌هایی که نادرست نوشته شده‌اند:

تسهیلات \rightarrow تسهیلات / مظاهر \rightarrow مظاهر / سحم \rightarrow سحم

۵- **گزینهٔ ۲** هم‌خانوادهٔ واژه‌های صورت سؤال در هر بیت،

بیت «الف»: اساس \rightarrow تأسیس / بیت «ب»: میراث \rightarrow ارث / بیت «پ»: قیاس \rightarrow مقایسه / بیت «ت»: مقدر \rightarrow تقدیر

۶- **گزینهٔ ۳** در گزینهٔ (۳) آرایهٔ «شخصیت‌بخشی» وجود دارد، نه تشبیه؛ «زمین» به شکل «انسانی» دیده شده که «دهان» دارد.

بررسی تشبیه در گزینه‌های دیگر،

گزینه (۱): «آفرینش» مانند «کتاب» است. / گزینه (۲): «معرفت» مانند «چشمه» است. / گزینه (۴): «ذرت‌ها» مانند «نوجوانان» هستند.

۷- **گزینه ۳** در گزینه (۳) آرایه تشبیه به کار نرفته است.

بررسی آرایه گزینه‌های دیگر، گزینه (۱): «سخن گفتن با پرنده» آرایه شخصیت‌بخشی دارد. / گزینه (۲): «رام» تکرار شده است. / گزینه (۴): «آب» و «دانه» مراعات‌نظیر دارند.

۸- **گزینه ۲** در گزینه (۲)، «نیک‌مردان» و «گردان» واژه‌های قافیه هستند و ردیف به کار نرفته است.

بررسی ردیف در گزینه‌های دیگر، گزینه (۱): «کرد» / گزینه (۳): «سد» / گزینه (۴): «شود»

۹- **گزینه ۴** بررسی گزینه‌های دیگر،

گزینه (۱): «جهان» مفعول است. / گزینه (۲): «منتظران بهار» منادا است. / گزینه (۳): «نسیم» بعد از حرف اضافه «با» آمده و متقمم است.

۱۰- **گزینه ۲** واژه‌های غیرساده در گزینه‌های دیگر:

گزینه (۱): «گل‌ها» گل ها / گزینه (۳): «گفت‌وشنود» گفت و شنود / گزینه (۴): «ناچیز» نا چیز

۱۱- **گزینه ۱** جمله امری: یکی تیشه بگیرد.

جمله‌های خبری: زندان بشکستید. / همه شاه و امیرید.

۱۲- **گزینه ۱** گزینه (۱) و بیت صورت سؤال، هر دو به این مطلب اشاره دارند که «دارایی دنیا، ارزش مردم‌آزاری را ندارد».

بررسی گزینه‌های دیگر،

گزینه‌های (۲) و (۳) فقط توصیه به «بی‌آزار بودن» دارند و گزینه (۴) هم «بی‌آزاری را نعمت برمی‌شمرد».

۱۳- **گزینه ۴** بیت صورت سؤال به «خالقیت» و «قدرت» خداوند اشاره دارد، نه به «یگانگی» و «توحید».

۱۴- **گزینه ۳** «شیرش کردی» کنایه است از این که «به او جرئت و جسارت دادی».

۱۵- **گزینه ۲** بررسی گزینه‌های دیگر،

گزینه (۱): «بهارستان» کتابی است به تقلید از «گلستان» سعدی و نثر آمیخته با شعر دارد.

گزینه (۳): «گلستان» نثر آمیخته با شعر است.

گزینه (۴): «گلشن ادب» تذکره و شرح‌حال شاعران خراسان و به نثر است.